

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۱۸ جنوری ۲۰۱۷

انفجار قندهار ادامه جنگ نیابتی

در مطلبی که به تاریخ ۲۱ دسمبر ۲۰۱۶ معنون به "تعویض قلاده ها از طرف طالب و شورای نظار" نگاشتم، هر چند مختصر، مگر با آنهم توضیح داده بودم که به دنبال تحولات اخیر در خاور میانه و ادامه جنگ بین دو بلوک ایران- روسیه و چین در یک جانب و عربستان سعودی، اسرائیل، امریکا و دنباله روانش در جهان و منطقه در جانب دیگر، تغییری در درون گروه های وابسته به قدرت اجنبی در افغانستان به خصوص - "جمعیت شورای نظار" و "طالب" نیز به وجود آمده، این نهادهای ضد ملی و ضد ترقی را به انشعابات متعدد مواجه ساخته است. مطلب کنونی نیز می تواند به مثابه ادامه همان بحث در پرتو وقایع جدید تلقی شده، در واقع تأییدی بر آن ادعا به شمار بیاید.

از طریق رسانه های داخلی و خارجی اطلاع یافتیم که به تاریخ ۱۰ جنوری ۲۰۱۷ در اثر انفجار یک بمب از قبل کارگذاشته شده در مهمانخانه ولایت قندهار، ۱۲ تن کشته و ۱۴ تن دیگر زخمی شده اند. در خبرها تذکار یافته بود که در جمع کشته شدگان به علاوه والی ولایت قندهار و مرستیال ولایت و چند تن دیگر از عمال و سرسپردگان امپریالیزم جنایتگستر امریکا، ۵ دیپلمات "امارات متحده عربی" نیز وجود داشت.

رسانه ها طبق معمول این جنایت را به طالب نسبت داده، طالب هم از پذیرفتن آن انکار نمود.

در مصاحبه ای که تلویزیون طلوع با "اسد الله خالد" یکی از رؤسای پیشین به اصطلاح "ریاست امنیت ملی" اداره مستعمراتی داشت، نامبرده که گویا خودش نیز زمانی قربانی حملات تروریستی "طالب" بوده، بیان داشت؛ "تا جایی که وی از چگونگی و نوعیت مواد انفجاری استفاده شده در انفجار مهمانخانه ولایت قندهار، اطلاع دارد، این مواد کاملاً جدید بوده، بیشتر از تخریب ساختمان باعث ایجاد حریق مدّش در محل گردیده بود" نقل به مضمون.

همزمان با همین روند، باز هم شنیدیم که اعتراضاتی علیه والی فراه که یکی از جواسیس کارگشته و متعهد به امریکاست، به وسیله تعدادی از رسانه ها به اتهام دادن مجوز و مشارکت شخصی در شکار پرنده های نایاب ولایت فراه برای شیخ های عرب که عمدتاً از امارات و قطر می باشند، وجود دارد. امری که باعث گردید تا باز هم تلویزیون طلوع به مثابه زبان سفارت امریکا در کابل، مداخله نموده ضمن یک مصاحبه با والی فراه امکان دفاع شخصی به وی را مساعد گردانید.

امروز یعنی ۱۷ جنوری دو خبر دیگر در همین راستا و در ظاهر باز هم بدون پیوند با یک دیگر از طریق رسانه های داخلی و خارجی پخش گردید، خبر نخست ریختن هزاران نفر از باشندگان شهر فراه بر روی خیابانها علیه شخص والی

آن ولایت و تعدادی از همکارانش با شعار های مرگ بر والی و سایر فساد پیشگان و تقاضای برکناری والی از اداره مستعمراتی کابل. خبر دوم عقد قرار داد گسترش میدان هوایی ولایت فراه با دولت قطر.

این داده ها هر چند در ظاهر امر با یک دیگر چندان ارتباط ندارند، مگر وقتی قضیه از زاویه جنگ نیابتی بین دو بلوک ایران و عربستان مورد مطالعه قرار می گیرد، نه تنها ارتباط بین آنها خود را نمایان می سازد، بلکه می توان تبارز عملی و خونین یک جنگ نیابتی جدید را در ساحه جدیدی نیز به وضاحت مشاهده نمود. چنانچه:

این را می دانیم که جمهوری دار و تازیانه ولایت جهل- جمهوری اسلامی ایران- نه تنها امروز بلکه از زمانهای خیلی دور تا امروز متناسب با درجه قوت و ضعف دولت مرکزی افغانستان ولایات غربی افغانستان - هرات، فراه و نیمروز- را گاهی بخشی از قلمرو خود معرفی داشته و زمانی هم آن را ساحه نفوذ و به اصطلاح سیاسی "حیات خلوت" خود معرفی نموده است. به همین اساس نه دیروز، نه امروز و نه هم فردا به میل و رغبت خود حاضر خواهد شد، تا شاهد پایه گیری و گسترش نفوذ عربستان سعودی و ایادی آن از جمله امارات و قطر در آن مناطق باشد.

این را هم می دانیم که اداره مستعمراتی کابل و حتا بادارانش با درک همین موضوع تا حال در قبال دادن پروژه ها در ولایت غربی افغانستان، به اصطلاح "دست به عصا" راه رفته، در تمام این ۱۶ سال کوشیده اند تا جهت احتراز از تحریک ایران، دستان عربستان سعودی را از آن ولایات دور نگهدارند. یعنی پروژه های حوزه غرب افغانستان را هرگاه ایران خود در تمویل آن پیشقدم نشده باشد به کشوری سپرده اند، که حساسیت ایران را باعث نگردد، از جمله سپردن اکثریت پروژه های عمرانی و انکشافی ولایت نیمروز به هندوستان.

این را هم قبلاً می دانیم که بعد از ایجاد صف بندی های جدید در خاور میانه، بخشی از "طالبان" با بریدن تعلقات شان از منابع اکمالاتی قبلی و تعویض قلاده بردگی، اینک به مثابه ابزاری در خدمت اهداف ایران و شرکایش قرار گرفته اند. وقتی از چنین منظر به قضایا نگریسته می شود مشاهده می نمائیم که رژیم آخندی، بیشتر از این نمی خواهد تا در قبال تخطی های اداره مستعمراتی کابل از توافقات نانوشته ای که بین این اداره و نظام آخندی به مثابه اصول پذیرفته شده، شناسائی شده سکوت نموده، تحرکات اداره مستعمراتی را نادیده بگیرد.

با حرکت از چنین منظری می توان درک نمود که نه تنها انفجار قندهار که در آن حریفان رژیم آخندی به قتل رسیدند، می تواند کار هواداران رژیم آخندی باشد، بلکه تحولات اخیر در ولایات فراه و هرات نیز بدون ارتباط با آنها نبوده و در آینده ممکن است، دامن این درگیری ها به اشکال خونین تری ادامه بیابد.

بلافاصله باید افزود، دست اتهام به سمت رژیم آخندی دراز نمودن به هیچ صورت به معنای نفی نقش جنایتکارانه و ویرانگر دولت پاکستان و "آی. اس. آی" در افغانستان نباید تلقی گردد؛ بلکه بدان معناست که در کنار دولت پاکستان، رژیم ولایت جهل نیز من بعد، زمانی در همسویی با پاکستان و زمانی هم در رقابت با آن کشور، باعث قتل و کشتار مردم ما خواهد گردید. امری که به یقین می توان گفت:

مادامی که اداره مستعمراتی کابل وجود دارد، مادامی که افغانستان به مثابه کشوری اشغال شده و فاقد استقلال، تمام مقدراتش از طرف بیگانگان اشغالگر و رقبای آنها به بازی گرفته می شود، این روند خونین ادامه می یابد.